

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

در جلسه گذشته در بیان مساله سوم این مطلب مطرح شد که نذر موجب تغییر حکم اصلی یک عمل نمی‌شود، بلکه تنها موجب حادث شدن عنوان دیگری مثل وفای به نذر می‌شود که حکم آن نیز وجوب است. همانطور که در مساله سوم مطرح شد؛ اگر کسی نذر کند عمره مفرده‌ای به جا آورد، این عمل مستحب همچنان مستحب باقی می‌ماند و تنها وفای به نذر واجب می‌شود. این موضوع با عناوین ثانویه که موجب تغییر در حکم اولیه یک عمل می‌شوند، تفاوت دارد. نذر را نمی‌توان عنوان ثانوی دانست، زیرا موجب تغییر ماهیت عمل نمی‌شود و مواردی مثل عمره و نماز شب، حتی با نذر، همچنان مستحب باقی خواهند ماند.

تغییر ملاک در عناوین ثانویه

دیدگاه امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) که مرحوم والد ما (قدس سره) نیز از آن تبعیت کرده‌اند، و به گمان قوی، ریشه آن در کلمات مرحوم آیت الله بروجردی (قدس سره) یافت می‌شود، این است که نذر موجب تغییر حکم اصلی یک عمل نمی‌شود. اگر فردی نذر کند که احرام ببندد، یا نماز شب بخواند یا هر فعل دیگری را انجام دهد، حکم آن عمل همچنان ثابت است. تنها یک عنوان جدید به آن اضافه می‌شود که همان وجوب وفای به نذر یا عهد است.

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که برخلاف آنچه در برخی کلمات رایج است، نذر، عهد، قسم و امثال اینها صرفاً یک عنوان بالعرض است اما عنوان ثانوی اصطلاحی محسوب نمی‌شوند؛ در اصطلاح اصولی، عنوان ثانوی به حالتی اطلاق می‌شود که با عارض شدن بر یک فعل، ملاک آن تغییر کند. برای مثال، وضو یا روزه دارای ملاک مشخصی هستند، اما اگر انجام آن‌ها با حرج همراه شود، این عنوان جدید ملاک را تغییر می‌دهد. در بحث «لَا حَرَجَ»، مشهور قائل به عزیمت هستند، به این معنا که اساس مشروعیت حکم را از بین می‌برد و موجب بطلان آن می‌شود. در مقابل، قائلین به رخصت بر این باورند که «لَا حَرَجَ» تنها الزام را برمی‌دارد، اما ملاک حکم باقی می‌ماند. درحالی‌که طبق تحقیق، «لَا حَرَجَ» به معنای نفی جعل حکم است، یعنی روزه‌ای که همراه با حرج باشد، اساساً مشروعیت ندارد و حتی ملاک آن نیز باقی نیست.

نکته مهم دیگر این است که اضطرار از عناوین ثانویه محسوب نمی‌شود. در باب میته گفته می‌شود که اگر کسی به خوردن میته مضطر شود، اکل آن برای او جایز است؛ اما این به معنای آن نیست که حرمت میته برداشته شده و حلال گردیده است. آیا عنوان میته و ملاک آن دگرگون نمی‌شود و قبح و مفسده آن نیز از بین نمی‌رود. یا اگر فرض شود که فردی برای معالجه نیاز به نوشیدن خمر دارد (با اینکه در روایات آمده است که خداوند در حرام شفا قرار نداده است) حتی در چنین فرضی نیز حرمت، مفسده و ملاک آن از بین نمی‌رود و همچنان باقی است، اما در شرایط اضطرار، اگر مصرف آن لازم شود، این حرمت موجب عقاب نخواهد بود.

بنابراین، عناوین ثانویه مانند حرج و ضرر، در ملاک افعال تغییر ایجاد می‌کنند، اما نذر چنین تأثیری ندارد و موجب تغییر ملاک عمل نمی‌شود.

موید بر مطلب فوق

نذر نماز شب، ملاک این نماز را تغییر نمی‌دهد و همچنان رجحان استحبابی آن ثابت می‌ماند، بدون آنکه حتی تقویت شود. تنها اثر نذر این است که عنوان «وجوب وفای به نذر» بر آن منطبق می‌شود. به همین دلیل، اگر کسی نذر کند که در نیمه ماه رجب روزه مستحبی بگیرد اما به نذر خود عمل نکند، تنها کفاره نذر بر او واجب خواهد بود، اما هیچ فقهی فتوا نداده است که قضای آن روزه واجب باشد. این نشان می‌دهد که روزه مذکور واقعاً واجب نبوده و عنوان وجوب بر آن مترتب نشده است. این مطلب از مؤید نظریه سه فقیه بزرگوار مذکور است.

ممکن است کسی ادعا کند که قضا تابع امر جدید است و از آنجاکه در این مسئله امر جدیدی برای قضا وجود ندارد، وجوب قضای روزه نذری نیز منتفی است. در پاسخ می‌گوییم که چه این مبنا را بپذیریم و چه قائل شویم که قضا به همان امر اول تعلق دارد، تفاوتی در نتیجه ایجاد نمی‌شود؛ زیرا قضا مبتنی بر تحقق فوت است، درحالی‌که در اینجا فوتی رخ نداده است. بنابراین، این بحث که آیا قضا تابع امر جدید است یا نه، در این مسئله مطرح نمی‌شود. در هر صورت، چون فوت الواجبی صورت نگرفته، موضوع قضا منتفی است. به همین دلیل، حتی خود مشهور که قائل‌اند روزه یا عمره با نذر واجب می‌شود، در مورد قضای آن‌ها بحثی مطرح نمی‌کنند.

تطبیق مطلب بر مساله «اجتماع امر و نهی» و نظر استاد

هر کسی که در باب اجتماع امر و نهی قائل به جواز اجتماع باشد، در اینجا نیز باید بپذیرد که دو عنوان در یک فعل جمع شده‌اند. یکی عنوان صلاة اللیل بما هی هی که از این جهت دارای استحباب است، بلکه شاید در بالاترین مرتبه استحباب قرار داشته باشد، و دیگری عنوان وفای به نذر که موجب وجوب آن شده است. بنابراین، نمی‌گوییم صلاة اللیل واجب شده، بلکه وجوب، متعلق به وفای به نذر است.

در بحث اجتماع امر و نهی که در دوره اول به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت و چندین ماه به طول انجامید، مرحوم آخوند یازده مقدمه را مطرح کرده و پس از ذکر مقدمات، اقوال مختلف را بیان می‌کند. سپس برای تأیید نظریه خود که مبتنی بر امتناع اجتماع امر و نهی است چهار مقدمه دیگر نیز ذکر می‌نماید. اساس همه این مباحث بر این نکته استوار است که آیا تعدد عنوان، موجب تعدد معنون می‌شود یا نه؟

نظر مرحوم آخوند این است که تعدد عنوان، موجب تعدد معنون نمی‌شود و بر همین اساس، قائل به امتناع است. اما ما، به تبع امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه)، مرحوم والد ما (قدس سره) و مرحوم محقق اصفهانی (قدس سره)، قائل به تفصیل هستیم و معتقدیم که عناوین به دو دسته تقسیم می‌شوند. در نهایت، می‌گوییم تعدد عنوان می‌تواند موجب تعدد معنون شود. کسی که در بحث اجتماع امر و نهی این مبنا را می‌پذیرد و قائل است که تعدد العنوان یوجب تعدد المعنون، در اینجا نیز باید ملتزم باشد که صلاة اللیل دارای دو عنوان است: یکی عنوان ذاتی خود که موجب استحباب آن است، و دیگری عنوان وفای به نذر که موجب وجوب آن شده است. اما این وجوب، مستقیماً به صلاة اللیل سرایت نکرده، بلکه متعلق به وفای به نذر است.

بنابراین، ممکن است یک فعل دارای چندین عنوان باشد. برای مثال، اگر کسی در ماه رجب، روزه قضا بگیرد، این روزه هم به عنوان قضا واقع شده و هم به عنوان صوم ماه رجب، و در نتیجه، بر هر عنوان، حکم خاص خودش مترتب می‌شود. این مبنا کاملاً صحیح است و شاهد مهم آن نیز مسئله حنث نذر است. کسی که نذر کرده است روزه یک روز معین را بگیرد، اما آن روز را روزه نگرفته است، نذر خود را نقض کرده و موظف به پرداخت کفاره است، اما هیچ مجالی برای توهم وجوب قضای آن وجود ندارد.

جمع بندی فرع اول از مساله سوم

در فرع اول از مساله این بحث مطرح بود که در برخی موارد، عمره به واسطه نذر، عهد، یمین یا شرط ضمن عقد واجب می‌شود. برای مثال، ممکن است کسی در یک معامله شرط کند که خودش عمره‌ای انجام دهد، یا فردی برای انجام عمره مفرده اجیر شود، که در این صورت بر اساس عقد اجاره، انجام عمره بر او واجب خواهد شد. همچنین، یکی دیگر از مواردی که موجب وجوب عمره می‌شود، زمانی است که شخصی عمره خود را با انجام جماع پیش از طواف فاسد کند. در چنین حالتی، چون مرتکب یکی از محرمات احرام شده است، عمره‌اش باطل شده و موظف است علاوه بر پرداخت کفاره، یک عمره دیگر را به جای عمره فاسدشده انجام دهد.

فرع دوم از مساله سوم

فرع دیگری که مطرح می‌شود این است که اگر کسی بخواهد از میقات عبور کند، احرام بر او واجب است و عبور از میقات بدون احرام جایز نیست. از مجموع روایات چنین استفاده می‌شود که این حکم مخصوص کسی است که قصد ورود به مکه و انجام مناسک را داشته باشد. بنابراین، خود ورود به حرم موضوعیت ندارد؛ به این معنا که اگر فردی از میقات عبور کند و وارد حرم شود، اما قصد ورود به مکه را نداشته باشد، احرام بر او واجب نیست. اما اگر کسی قصد داشته باشد از حرم عبور کرده و وارد مکه شود، و قصد انجام مناسک را هم داشته باشد، در این صورت، احرام عمره مفرده بر او واجب خواهد بود. امام خمینی (قدس سره) در تحریر الوسیله در ادامه مساله سوم می‌فرماید: «وَتَجِبُ أَيْضاً لِدُخُولِ مَكَّةَ بِمَعْنَى حُرْمَتِهَا» [1]، ایشان سپس توضیح می‌دهند که این از مواردی است که در آن تسامح شده است، نه اینکه وجوب واقعی به معنای حرمت دخول بدون احرام در کار باشد.

روایات مستند حکم عدم جواز دخول در مکه بدون احرام

در کتاب الحج وسائل الشیعه، ابواب الاحرام، باب پنجاهم، روایات حکم فوق ذکر شده است، یکی از این روایات، صحیح محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) است.

وَعَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَلْ يَدْخُلُ الرَّجُلُ الْحَرَمَ بِغَيْرِ إِحْرَامٍ قَالَ لَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَرِيضاً أَوْ بِهِ بَطْنٌ. [2]

در این روایت راوی از امام باقر (علیه السلام) می‌پرسد: آیا کسی می‌تواند بدون احرام وارد حرم شود؟ امام فرمودند: لا، یعنی ورود بدون احرام جایز نیست، مگر در مواردی که فرد بیمار باشد یا مشکلی در شکم داشته باشد.

روایت دیگر، صحیح عاصم بن حمید از امام صادق (علیه السلام) است:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرَةَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدْخُلُ الْحَرَمَ أَحَدٌ إِلَّا مُحَرِّمًا قَالَ لَا إِلَّا مَرِيضٌ أَوْ مَبْطُونٌ. [3]

در این روایت آمده است که عاصم بن حمید از امام (علیه السلام) پرسید: «آیا کسی می‌تواند بدون احرام وارد حرم شود؟» امام فرمودند: «نه، مگر آنکه بیمار یا دارای مشکل در بطن باشد.»

همچنین صاحب مدارک در بیان ادله این حکم ابتدا مستند این حکم را اجماع می‌داند و می‌فرماید: «أَجْمَعَ الْأَصْحَابُ عَلَى أَنَّهُ لَا يَجُوزُ لِأَحَدٍ دُخُولَ مَكَّةَ بِغَيْرِ إِحْرَامٍ عِدَا مَا اسْتَثْنَى، وَأَخْبَارُهُمْ بِهِ نَاطِقَةٌ» [4] وی پس از بیان این مطلب به بیان روایات مستند این حکم می‌پردازد.

البته در این روایات لفظ «حرم» آمده است، اما با توجه به دیگر روایاتی که به موضوع اعمال اشاره دارند، جمع میان آنها به این

صورت است که حکم مذکور ناظر به کسی است که از میقات عبور می‌کند تا وارد مکه شده و مناسک حج یا عمره را انجام دهد. لذا، احرام برای کسی که قصد ورود به مکه جهت انجام مناسک را دارد، واجب است. بنابراین کسی که قصد انجام مناسک را ندارد، مشمول این حکم نیست. امام (علیه‌السلام) نیز در روایت می‌فرمایند: «لَدْخُولِ مَكَّةَ»، و ما در تحلیل این روایات توضیح دادیم که ورود به خود حرم موضوعیت ندارد، بلکه حکم به احرام مربوط به کسی است که قصد ورود به مکه برای انجام مناسک را دارد.

روایتی از شیخ طوسی نقل شده است که موید مطلب فوق است:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ تَرَكَ الْإِحْرَامَ حَتَّى دَخَلَ الْحَرَمَ فَقَالَ يَرْجِعُ إِلَى مِيقَاتِ أَهْلِ بِلَادِهِ الَّذِي يُحْرِمُونَ مِنْهُ فَيُحْرِمُ فَإِنْ خَشِيَ أَنْ يَفُوتَهُ الْحَجُّ فَلْيُحْرِمْ مِنْ مَكَانِهِ فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْحَرَمِ فَلْيَخْرُجْ. [5]

در این روایت راوی از امام صادق (علیه‌السلام) درباره مردی که بدون احرام وارد حرم شده، پرسیده است، امام می‌فرمایند: «او باید به میقات اهل شهر خود که از آنجا مُحْرَم می‌شوند بازگردد و از آنجا احرام ببندد. اما اگر بیم آن دارد که حج را از دست بدهد، می‌تواند از همان جایی که هست احرام ببندد.»؛ این روایت نشان می‌دهد که الزام به احرام برای کسی است که قصد انجام مناسک را دارد. اما اگر کسی بخواهد بدون قصد انجام مناسک وارد مکه شود، احرام بر او واجب نیست.

مرحوم آیت‌الله خوئی (قدس سره) در مورد کسی که می‌خواهد از میقات عبور کند، از حرم نیز بگذرد ولی قصد ورود به مکه و انجام مناسک را نداشته باشد، می‌فرماید:

لا ريب في عدم وجوب الإحرام على من لم يرد النسك بل أراد حاجة في خارج مكة و لم يرد الدخول إليها، و لا نحتمل وجوب الإحرام بنفسه على من دخل الحرم و لم يرد دخول مكة و لا النسك فيها، بل المستفاد من الروايات أن من يريد الدخول إلى مكة يجب عليه أن يحرم للحج أو العمرة، فيمكن حمل تلك الروايات على داخل الحرم لإرادة دخول مكة. [6]

بنابراین صرف ورود به حرم، بدون قصد ورود به مکه و انجام مناسک، موجب وجوب احرام نمی‌شود. این تعبیر نشان می‌دهد که شرط وجوب احرام، اراده انجام مناسک است.

روایات در این زمینه متفاوت‌اند؛ برخی از آنها نشان می‌دهند که صرف ورود به حرم موجب وجوب احرام است، در حالی که برخی دیگر وجوب احرام را به ورود به مکه مشروط می‌کنند. آنچه مسلم است، این است که عبور از حرم بدون ورود به مکه نیازی به احرام ندارد. مثلاً، اگر کسی از میقات عبور کرده و وارد حرم شود، اما قصد دارد به شهر دیگری برود و وارد مکه نشود، در این صورت احرام بر او واجب نیست، یعنی نیازی ندارد که عمره مفرده انجام دهد.

بحث اصلی در اینجا است که اگر کسی بخواهد وارد مکه شود، اما قصد انجام مناسک را نداشته باشد مثلاً برای دیدار اقوام و خانواده خود به مکه برود آیا می‌تواند بدون احرام و بدون انجام عمره مفرده وارد شود یا نه؟ آیا اطلاق لكل شهر عمرة شامل این مورد می‌شود و لزوم انجام عمره را در هر ورود به مکه اثبات می‌کند؟ یا اینکه این روایت تنها به عمره مستحبی اشاره دارد و شامل چنین وجوبی نمی‌شود؟ بررسی این مسئله و روایات مربوط به آن را در جلسه بعد پیگیری خواهیم کرد.

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

- [1] خمینی، روح الله، رہبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، «تحریر الوسیلہ»، ج 1، ص 424.
- [2] حر عاملی، محمد بن حسن، «تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة»، ج 12، ص 403.
- [3] همان، ج 12، ص 402، حدیث 16623.
- [4] موسوی عاملی، محمد بن علی، «مدارک الأحکام فی شرح شرائع الإسلام»، مدارک الأحکام فی شرح شرائع الإسلام، ج 7، ص 380.
- [5] حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج 11، ص 330.
- [6] خوئی، سید ابوالقاسم، «موسوعة الإمام الخوئی»، ج 28، ص 164.

منابع

- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم - ایران، مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، 1416.
- خمینی، روح الله، رہبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، تحریر الوسیلہ، تہران، مؤسسة تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی (قدس سرہ)، 1392.
- خوئی، سید ابوالقاسم، موسوعة الإمام الخوئی، قم - ایران، مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئی، 1418.
- موسوی عاملی، محمد بن علی، مدارک الأحکام فی شرح شرائع الإسلام، مدارک الأحکام فی شرح شرائع الإسلام، قم - ایران، مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، 1411.